

این میزگرد با سخنان جناب آقای زهرانی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و با حضور سفیر روسیه در تهران، اعضای هیئت انستیتوی روابط بین‌الملل، تنی چند از مقامات وزارت امور خارجه و کارشناسان دفتر مطالعات در تاریخ پنجم مهر ماه ۱۳۸۴ در محل این دفتر برگزار گردید.

در آغاز، آقای زهرانی ضمن خوشامدگویی به میهمانان و تشکر از آقای دکتر سید رسول موسوی بخاطر برگزاری این میزگرد اظهار داشت: در سطح دیپلماسی رسمی میان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با نهادهای مختلف دولت روسیه تماس‌های مرتبی وجود دارد و در بخش‌های اقتصادی و سیاسی، مبادلات انجام می‌شود و گفتگوهای لازم صورت می‌پذیرد. در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و در نهادهایی مثل دانشگاه از مفهومی بنام دیپلماسی غیر رسمی استفاده نموده و بدور از منازعات دیپلماتیک، بحث‌های خود را مطرح می‌نمائیم. در گفتگو با دوستان روسی نیز تلاش بر استفاده از زبان علمی و شفاف می‌باشد و با وجود موفقیت در بعضی از موارد، در موارد دیگری چنین نبوده و نیاز به مطالعه و بررسی دارد. هنوز بعضی اتهامات در این خصوص وجود دارد، مبنی بر این که کشور روسیه چه جایگاهی برای جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های کلان خود دارد، به خصوص در بحث امنیت بین‌الملل و مباحث استراتژیک، مباحث تاریخی و دیگر زمینه‌ها بین دو کشور بعد از پایان دوره جنگ سرد و پس از ۱۱ سپتامبر بسیار زیاد است که نیاز به همکاری هر چه بیشتر در این حوزه‌ها وجود دارد. در ژانویه گذشته ضمن سفر به مسکو توفیق دیدار از انستیتوی روابط بین‌الملل و تبادل نظر با همکاران مؤسسه مذکور حاصل

گردید و میزگرد حاضر در تداوم آن صورت می‌گیرد. امیدواریم در پایان این میزگرد به یک راهبرد عملی جهت درک بهتر مسایل دو طرف نائل شویم و راه حل‌هایی را نیز ارائه نمائیم.

سپس آقای وروبايف معاون انستیتوی روابط بین‌الملل ضمن تشکر از دعوت بعمل آمده اظهار داشت که امیدواریم با بررسی عناوین و موضوعات جالب توجه، در چارچوب توسعه روابط دوجانبه، نقطه‌نظرهای خود را مطرح نمائیم. با نظر آقای زهرانی در خصوص دیپلماسی غیررسمی موافقم و نظرات بیان شده از سوی نمایندگانی از بخش‌های مختلف، در زمینه بسیاری از مسایل پیچیده جهان که ظاهراً راه‌حلی برای بعضی از آنها وجود ندارد، قطعاً مفید خواهد بود. معتقدم که طرح مسایل در سطح افراد آگاه، در جهت حل مسایل کمک خواهد نمود.

پس از آن، آقای سادو وینکف سفیر فدراسیون روسیه در تهران طی سخنانی با قدردانی از برپایی این میزگرد، خاطر نشان نمود که چنین دیدارهایی امکان آن را فراهم می‌نماید تا بین دو کشور زمینه‌های جدیدی برای گفتگو فراهم شود. همکاری‌های ایران و روسیه که براساس منافع فیما بین و بر مسایل بین‌المللی و منطقه‌ای متکی است، طی ده سال گذشته یکی از عوامل مهم در جهت ایجاد ثبات و توسعه بوده است. یکی از مباحث عمده در خصوص آینده روابط ایران و روسیه، توسعه این روابط براساس منافع دوجانبه و مشترک می‌باشد. آمادگی لازم برای حل مسایل مختلف براساس احترام متقابل و به نفع طرفین وجود دارد. ایران همکار مهم منطقه‌ای روسیه محسوب می‌شود و توسعه روابط با ایران، یکی از ارجح‌ترین مسایل بین‌المللی روسیه تلقی می‌گردد. به روابط دوستانه توأم با اعتماد متقابل احترام قائل بوده و آینده خوبی را برای آن می‌بینم. امیدوارم که تبادل نظرات و مباحث میزگرد برای هر دو طرف مفید واقع شود و نتایج مشخصی در جهت توسعه روابط دو کشور از آن حاصل گردد. سفارت روسیه در تهران ضمن تلاش در جهت کمک به تداوم همکاری میان دو کشور، از همکاری‌های آتی استقبال می‌نماید.

پس از پایان سخنان سفیر روسیه، آقای زهرانی با تشکر از هر دو سخنران، تصریح نمود که دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی به منظور پیشبرد مراودات با کشور روسیه، با سفارت این کشور در تهران ارتباطات نزدیکی داشته و سفارت مذکور نیز در برپایی این قبیل جلسات بسیار فعال بوده است. ضمن استقبال از همکاری با دفتر مطالعات، امیدواریم با همکاری سفیر محترم

روسیه، این مباحث ادامه یابد. نظر دوستان درخصوص طرح کاملاً شفاف بحث‌های کلان منطقه‌ای و بین‌المللی، موجب خوشحالی است.

در این قسمت، بدنبال پایان سخنرانی‌های مقدماتی، جلسه میزگرد به ریاست آقای موسوی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز درباره مسایل دوجانبه آغاز گردید و آقای هاشمی گلپایگانی رئیس اداره اول مشترک‌المنافع پیرامون مباحثی کلی روایت دوجانبه به توجه به فرصت‌ها و تهدیدات، تأکید نمود با وجود این که ایران و روسیه از روابط بسیار تاریخی و درازمدتی برخوردارند، اما هنوز این ضرورت وجود دارد که مسئولین و مردم دو کشور نسبت به ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات شناخت بیشتری پیدا نمایند. نظر به سیال بودن سیاست، تغییر مسئولین و تحولات بین‌المللی، نیاز به تداوم این قبیل جلسات در جهت تکمیل این شناخت وجود دارد. رفت و آمد هر چه بیشتر میان دو کشور، می‌تواند ضمن تقویت این روند، از تهدیدات منطقه‌ای نیز جلوگیری نماید. در بحث اعتمادسازی، با این که پس از انقلاب اسلامی در ایران و فروپاشی شوروی، تلاش زیادی بعمل آمده ولی خلاء آن در بعد کارشناسی بیشتر احساس می‌گردد. البته این گفته به معنی عدم اعتماد نبوده بلکه مبین آن است که اعتمادسازی باید گسترش یابد. مثلاً تسریع در اتمام نیروگاه بوشهر و عدم تأخیر در انجام آن (چه از طرف روسیه و یا از سوی ایران) در این مقطع زمانی می‌تواند کمک مؤثری نماید. طرف ایرانی تعهدات خود را به خوبی انجام داده و لازم است طرف روسی نیز در جهت انجام آن طی زمان‌بندی مورد توافق، تسریع نماید. البته آقای پوتین در ملاقات اخیر با آقای احمدی‌نژاد در نیویورک، درخصوص پایان این طرح در دوره زمانی مورد نظر تأکید نمودند. تأخیر در انجام این پروژه می‌تواند ذهنیت منفی در نزد مردم ایجاد نماید.

آقای گلپایگانی در ادامه افزود، نگاه دقیق کارشناسی به تهدیداتی که برای هر دو طرف مطرح بوده، مطلب دیگری است که باید همکاری وسیع‌تری برای دفع آن انجام گیرد. ورود نیروهای خارجی به این منطقه و تحولات گرجستان، اوکراین، قرقیزستان و ازبکستان از جمله این مقولات می‌باشد. اگر ایران قدرتمندتر در کنار روسیه قدرتمند حضوری فعال در منطقه داشته باشد، بنظر می‌رسد که حضور نیروهای خارجی که علاقه‌ای به قدرتمندتر شدن دو کشور

ندارند، با مشکل مواجه خواهد شد. در قضیه تاجیکستان که هر دو کشور همکاری نمودند، روسیه نقش خود را ایفا نمود، در حالی که در جریان قضایای اخیر چنین نبوده است.

در بحث فرصت‌ها لازم به ذکر است که توان همکاری در خیلی از زمینه‌های دوجانبه و منطقه‌ای وجود دارد و طرح‌های وسیعی در زمینه مسایل اقتصادی، تجاری و دیگر ابعاد همکاری وجود دارد و چنانچه گفته شد، اگر اعتمادسازی توسط روسیه که تجلی آن در بوشهر است، بیشتر شود، ایران نسبت به انجام این طرح‌ها (البته به عنوان نظر کارشناسی بنده) جدیت دارد. در صحبت‌های نیویورک هم این همکاری‌ها متجلی بود. امروزه تحولاتی در دستگاه دولتی ایران صورت گرفته و نگاه به شرق، نگاه عمیق‌تری شده است. باید در کنار این، یک رشته اعتمادسازی تجلی پیدا نماید تا نگرش به این سمت را بتوان تسهیل نمود. بطوری که میدانید، سفر آقای پوتین به ایران بحث چهار ساله‌ای است و ایشان در ملاقات با آقای احمدی نژاد تصریح کردند که این سفر بخاطر مشکلاتی انجام نشده است. اینک که آن مشکلات بر طرف گردیده، باید در جهت توسعه روابط دوجانبه، انجام شود.

درخصوص بحث هسته‌ای و آنچه که در شورای حکام گذشت، از تلاش روسیه تشکر می‌کنیم ولی به هر حال این قطعنامه به نحو دیگری به تصویب رسید و انتظار مردم و مسئولین این بود که روسیه این اجازه را ندهد تا یک جانبه‌گرایی به این نحو در قطعنامه تجلی یابد. خیلی از کشورها در شورای حکام نگاهشان به رأی روسیه بود و در صحبت‌های خود با ما بر آن تأکید داشتند. به هر حال، باید با شناخت و اعتمادسازی لازم این اعتماد را نشان بدهیم تا در منطقه حساسی که در آن قرار داریم، موانعی بر سر راه بیگانگان ایجاد نماییم. خوشحالیم که در جریان اجلاس اخیر CIS موارد خوبی مطرح و مواضع محکمی برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان اتخاذ شد، ما نیز از آن استقبال می‌کنیم.

پس از آن، آقای گوسف محقق ارشد انستیتوی روابط بین‌الملل مسکو در سخنان خود پیرامون ابعاد سیاسی روابط ایران و روسیه، اظهار داشت که اخیراً مقامات رسمی ایران گفته‌اند که نزدیک شدن به روسیه از جمله اولویت‌های ایران می‌باشد و طی چند سال گذشته، روابط دو کشور توسعه یافته است. ملاقات آقای خاتمی و پوتین در مارس ۲۰۰۱ که طی آن قرارداد اصول

توسعه روابط بین روسیه و جمهوری اسلامی ایران به امضاء رسید و بیانیه مشترکی درخصوص دریای خزر منتشر گردید، حائز اهمیت بوده است.

آقای احمدی نژاد نیز در ملاقات اخیر خود با آقای پوتین گفته‌اند که روسیه یکی از مهم‌ترین کشورها برای ایران محسوب می‌گردد. در روند مذاکرات سیاسی دو کشور، مسایل گسترده منطقه‌ای مانند مباحث مربوط به افغانستان، آسیای مرکزی، دریای خزر و عراق طی چند سال اخیر در سطح وزارت خارجه دو کشور مطرح شده است. لازم به ذکر است که در جهان معاصر، همکاری‌های استراتژیک میان کشورهایی که از نظر جغرافیایی بهم نزدیک می‌باشند، از نظر تأثیر آن بر ثبات منطقه و ایجاد شرایط بهتر برای مناسبات اقتصادی، سودمند تلقی می‌شود و می‌تواند در مقابل آن‌هایی که در این منطقه بدنبال اهداف خاص خود هستند، اثرگذار باشد. بر این اساس، توسعه روابط دو کشور مهم می‌باشد، دو کشوری که از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی برخوردارند و دارای منابع معدنی و سرزمین وسیعی بوده و امکانات انسانی و نظامی قوی نیز در اختیار دارند. از نظر ثبات منطقه‌ای، بی‌ثباتی در افغانستان می‌تواند روی ایران اثر منفی (در آینده) داشته باشد و لازم است ایران و روسیه در این مورد همکاری نمایند. در شمال قفقاز و آسیای مرکزی، تهران با سیاستهای خود نقشی اساسی دارد و در رفع مسایل موجود میان مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز (چچن) می‌تواند اثرگذار باشد.

مواضع روسیه برای ایران اهمیت دارد. در روابط دوجانبه، مسال مرزی و تندروری‌های مذهبی برای هر دو کشور می‌تواند مهم باشد. روسیه در زمینه بحث تروریسم بین‌الملل می‌تواند اثرگذار باشد. همانگونه که آقای خاتمی گفته بودند، ایران بازار خوبی برای کالاهای روسی محسوب می‌گردد. در زمینه انرژی هسته‌ای، نفت و گاز، حمل و نقل، تولید محصولات نساجی، غذایی و دریایی، زمینه‌های همکاری خوبی وجود دارد. در چارچوب مفهوم توسعه امنیت در قرن بیست و یکم، روسیه طرفدار نظر ایران در مورد گفتگوی تمدن‌ها می‌باشد. مشکلات آسیای مرکزی و قفقاز برای هر دو کشور نگران کننده است. مواضع ایران در شمال قفقاز مورد توجه روسیه می‌باشد. مسایل مربوط به قفقاز شمالی، آسیای مرکزی، افغانستان، دریای خزر و نیز موضوع خطوط لوله انتقال انرژی منطقه از جمله مباحث مورد علاقه دو طرف است. به عنوان

یک تحلیل‌گر بر این عقیده‌ام که ایران در خلیج فارس بدنبال علائق خود می‌باشد و این امری کاملاً طبیعی است و نی به هر حال باید توجه نمود که ایران در خلیج فارس به نوعی رقیب روسیه تلقی می‌شود و البته با بسیاری از دیگر کشورها نیز رقابت می‌نماید. در تاجیکستان و نقاط دیگر نیز مباحث ملی‌گرایی و کاهش امنیت و ثبات می‌تواند بر امنیت و ثبات ایران تأثیر داشته باشد. از قومیت‌های ساکن در منطقه، گروهی نیز در ایران هستند که می‌توانند در منطقه اثرگذار باشند. موضوع زبان‌ها و گویش‌های رایج در منطقه و جمعیت زیادی که به آن‌ها تکلم می‌نمایند، نیز از دید روسیه حائز اهمیت است و در این زمینه هم همکاری‌های دو کشور اهمیت دارد. بطور کلی، ایران و روسیه می‌توانند همکاری‌های خوبی داشته باشند که جلوه‌های آن در مسایل منطقه‌ای و استراتژیک حائز اهمیت است.

پس از پایان سخنان آقای گوسف، سفیر روسیه در تهران با تشکر مجدد اظهار داشت که امیدوارم تبادل نظرات ثمربخشی صورت گیرد و در آینده از نتایج آن بهره‌مند شویم. همچنین، سخنان خوب آقای گنلپایگانی به تحقق پیوندد و روابط دو کشور هر چه بیشتر توسعه یابد. امیدوارم این اشکالات با عمن واقعی در صحنه دیپلماسی و از سوی سازمان‌های مربوطه برطرف گردد و در ابعاد مختلف اقتصادی و علمی به نتایج خوبی برسیم. از نظر تاریخی و نزدیکی جغرافیایی و حتی نزدیکی روحی با هم بسیار نزدیک بوده و همچنان با هم خواهیم بود.

سپس آقای موسوی ضمن تشکر از بیانات سفیر روسیه در تهران، خاطر نشان نمود: به‌طوری که گفته شد، یکی از مباحث مهم موجود بین ایران و روسیه، بحث انرژی هسته‌ای است و درخصوص پروژه بوشهر به عنوان یک طرح مشترک و چه اساساً پرونده هسته‌ای ایران، مردم برای احقاق حق خود از این فناوری، از جامعه جهانی و روسیه انتظاراتی دارند و در این جلسات، ارائه بحث‌های شفاف این امکان را فراهم می‌نماید که این انتظارات به طرف روسی منتقل شود. سخنران بعدی جلسه، آقای مرادی از محققین دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی متذکر گردید که در روابط دو کشور زمینه‌های کاری فراوانی وجود دارد که مورد غفلت قرار گرفته است. در پاسخ به این پرسش که چرا در زمینه‌های موجود، روابط دو کشور در سطح مناسبی نمی‌باشد و دلیل برخورد دوپهلوی و غیر قابل مشخص روسیه درخصوص مسایل ایران چیست،

باید گفته شود که مواضع روسیه تحت تأثیر سه محور الزامات داخلی آن کشور، به خصوص در زمینه اقتصادی؛ ماهیت روابط روسیه و غرب (بویژه آمریکا) و عناصر تاریخی و ثابت موجود در متن روابط دو کشور، می‌باشد. در این میان، ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک دو کلیدواژه‌ای است که روسیه بین این دو مفهوم گرفتار مانده و در انتخاب یکی از آنها ناتوان بوده است. در بحث الزامات داخلی، پس از فروپاشی شوروی، سرعت تحولات چنان بود که موجب نوعی سردرگمی در انتخاب مسیر گردید. بعد از گرایش به غرب، نگرش به شرق پا گرفت و این باعث شد تا شاهد حکومت فعلی در روسیه باشیم. در مورد همگرایی روسیه با نهادهای جهانی، به گفته مقامات روسی، ادغام این کشور در اقتصاد جهانی، اساسی‌ترین وظیفه مسئولین آن محسوب می‌گردد و بر اتخاذ تدابیر ویژه‌ای جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأکید می‌شود. بنظر می‌رسد از نظر غرب، حضور روسیه‌ای که موجب ثبات شود، ضرورت دارد. آمریکا تمایلی به روسیه ضعیف ندارد و در جهت مقابله با تروریسم به روسیه قوی نیاز دارد.

در زمینه روابط روسیه با جمهوری اسلامی ایران باید گفته شود که این روابط طی دو بیست سال گذشته از قدرت‌های ثالث متضرر گردیده است. همچنین، برتری ماهیت ژئوپلیتیک بر ژئواکونومیک مد نظر بوده که البته بمنزله توسعه بخش سیاسی امنیتی نبوده، بلکه به عنوان پر رنگ‌تر شدن این بخش نسبت به بخش اقتصادی بوده است. در خصوص روابط اجتماعی و فرهنگی نیز با وجود روابط مناسب، برخی مسایل بین دو کشور جلب توجه می‌نماید. در این میان، نهادینه شدن سوءظن به روابط تاریخی از آنجا ناشی می‌شود که مردم ما از روابط گذشته با روسیه خاطره خوبی نداشته و روس‌ها را متجاوز تلقی می‌نمایند. به هر حال، قلمداد نمودن روابط استراتژیک برای دو کشور مناسب نمی‌باشد.

در بحث هسته‌ای، روسیه نسبت به اهداف هسته‌ای ایران تردید داشته و در عین حال، بدنبال اهداف خود می‌باشد. در این چارچوب در بحث چرخه سوخت، ثبات استراتژیک را مورد توجه قرار می‌دهد، اما در خصوص بازار هسته‌ای ایران، از دید رقابت استراتژیک به موضوع نگاه می‌کند. همکاری روسیه با غرب برای ورود به مدیریت بحران هسته‌ای ایران، مقوله‌ای است که در آن مواضع روسیه عملاً تفاوتی با مواضع اروپا ندارد و این امر ویژگی سیاست روسیه می‌باشد.

البته برخی سیاستهای مقطعی را نیز اعلام می‌نمایند.

بطور کلی، با در نظر گرفتن دو مفهوم یاد شده می‌توان گفت که چنین روندی هر جا که در دایره ثبات استراتژیک با غرب باشد، عملی نمی‌شود اما چنانچه رقابت استراتژیک مطرح گردد، همکاری با ایران صورت می‌گیرد.

در ادامه جلسه، آقای شاه‌محمود از اعضای هیئت روسی با اشاره به بحث همکاری دو کشور در زمینه نفت و گاز اظهار داشت که ایران و روسیه بخاطر دارا بودن ذخایر سرشار نفت و گاز می‌توانند همکاری خوبی داشته باشند، هر دو کشور در خصوص منابع هیدروکربن دریای خزر اتفاق نظر دارند. متخصصین کشورهای حاشیه خزر در زمینه نفت و گاز می‌توانند با هم همکاری نمایند. از سوی دیگر، ایران و روسیه در زمینه انرژی برق نیز با هم همکاری می‌نمایند و در چارچوب این همکاری‌ها، گروه‌های کاری برای اجرای پروتکل مربوطه ایجاد گردیده و قرار است بطور مرتب تشکیل جلسه دهند و نتایج بررسی‌های خود را اعلام نمایند. دو کشور نسبت به ایجاد زمینه‌های لازم برای همکاری ثمربخش و مرتبط ساختن شرکت‌های مختلف، با هم به توافق رسیده‌اند. همکاری دو کشور در مورد انرژی‌های جدید و انواع دیگر انرژی در دست اجراست. ایران و روسیه برای اجرای طرح‌های مشترک و استفاده از امکانات بالقوه خود (از جمله برنامه انرژی حرارتی در طمس) اعلام آمادگی نموده‌اند.

نامبرده افزود، گروه‌های کاری لازم برای بررسی ایستگاه‌های انرژی آبی در ابعاد کوچکتر تعیین شده‌اند. در ضمن برای صدور انرژی حاصله به کشورهای ثالث باید تلاش‌هایی در بازار بین‌المللی انرژی صورت گیرد. در چارچوب توافق اوت ۱۹۹۲ ایران و روسیه برای ایجاد مرکز تولید انرژی هسته‌ای، هر کدام از طرفین در حال حاضر برای پایان دادن به مرحله نخست بوشهر تلاش می‌نمایند. برای تأمین سوخت مورد نیاز این نیروگاه پروتکلی میان طرفین به امضاء رسیده و بازگرداندن پس مانده سوخت هسته‌ای مورد توافق قرار گرفته است. مطالعات فنی برای ساخت بلوک بعدی نیروگاه در دست اجرا بوده و سازمان انرژی اتمی ایران بدنبال انتخاب مکان‌های مناسب برای ساخت نیروگاه‌های بعدی می‌باشد. به هر حال، دو کشور نسبت به اجرای توافق اوت ۱۹۹۲ تأکید دارند. آقای آقازاده در ملاقات با وزیر خارجه روسیه (سپتامبر ۲۰۰۵) از

حمایت روسیه از ایران تشکر نمودند. روسیه مایل نیست موضوع هسته‌ای ایران در شورای امنیت مطرح گردد و پرونده ایران به آن شورا ارجاع شود. در ملاقات اخیر رؤسای جمهوری دو کشور در نیویورک، آقای احمدی‌نژاد تأکید نمودند که ایران بدنبال سلاح هسته‌ای نمی‌باشد و این گفته مورد استقبال آقای پوتین قرار گرفت.

زمینه همکاری بعدی میان دو کشور، همکاری‌های فنی است که با امکانات بالقوه موجود هماهنگی ندارد و روسیه مایل به فعال‌تر شدن این بخش از همکاری‌ها می‌باشد. در بخش صنایع و فنآوری توافقی‌هایی صورت گرفته و اقدامات اولیه برای ایجاد گروه‌هایی که بتوانند در نزدیک‌تر ساختن سازمان‌های ذیربط عمل نمایند، بعمل آمده است. با توجه به همکاری‌های صورت گرفته در دوره شوروی سابق، اینک روسیه در صدد آن است که فنآوری آن زمان را به روز نماید. در زمینه فضایی، دو کشور در چند طرح مشترک همکاری می‌نمایند که از جمله آن‌ها ماهواره‌های ارتباطی و طرح زهره می‌باشد. با استفاده از ماهواره‌های فضایی، اطلاعات مربوط به زمین جمع‌آوری می‌شود. طرفین مایلند در زمینه پیش‌بینی زمین لرزه‌ها از طریق ماهواره با هم همکاری نمایند. مقدمات لازم برای پرتاب ماهواره مشترک ایران و روسیه و نیز تجهیزات زمینی مورد نیاز برای پیش‌بینی‌های کوتاه مدت زلزله از طریق فضا، فراهم گردیده است.

همکاری دیگر دو کشور در مورد تولید هواپیما است و ایران مایل به مشارکت در تولید هواپیماهای روسی در ایران می‌باشد. همچنین دو کشور نسبت به بکارگیری فنآوری جدید برای تولید هواپیماها و هلی‌کوپترهای پیشرفته ابراز علاقه می‌کنند. ایران علاقمند است که در آینده نزدیک قراردادی را با طرف روسی در مورد تولید ۵ فروند هواپیمای توپولف ۲۰۴ که نسل جدیدی از هواپیماهای روسی است، امضاء نماید. در ادامه فعالیت‌های مشترک قبلی با همکاری هلال احمر جمهوری اسلامی ایران قرار است دو کشور کارخانه‌ای را به منظور ساخت هلی‌کوپترهای قابل استفاده در عملیات نجات و یا حمل کمک‌ها ایجاد نمایند.

در خصوص همکاری‌های علمی و فنی، با بررسی وضعیت موجود می‌توان امیدوار بود که در آینده این نوع همکاری‌ها افزایش یابد و دو کشور در زمینه انتقال فنآوری مدرن، استاندارد کردن هواشناسی، آموزش کادر علمی و دیگر فعالیت‌ها به توافق برسند. دیگر زمینه‌های

همکاری شامل همکاری‌های مالی و بانکی، حمل و نقل، کشاورزی، بهداشت و گردشگری می‌باشد.

سپس آقای ثقفی عامری پژوهشگر مسایل منطقه پیرامون روابط دو کشور چین بیان داشت، آینده توسعه روابط عمیق و بلندمدت منوط به عملکرد مثبت در نیروگاه بوشهر می‌باشد. طبعاً، پایان هر چه سریع‌تر این پروژه می‌تواند سنگ بنای روابط تلقی گردد. باید توجه داشت که سوابق تاریخی را نمی‌توان نادیده گرفت. متأسفانه طی دو‌یست سال گذشته نقاط تاریکی وجود داشته که نمی‌توان فراموش نمود، البته موارد خوبی هم بوده است. در اوج جنگ سرد، شوروی با وجود مخالفت غربی‌ها، پروژه ذوب آهن را در ایران انجام داد. برای این اساس، در پایان دوره جنگ سرد نوعی اعتماد از سوی ایران وجود داشت که بر پایه آن پروژه بوشهر به روسیه واگذار گردید. اما طرح مذکور بنا به علل مختلف، که از جمله مهم‌ترین آن‌ها فشار وارده از سوی آمریکا بوده، به تأخیر افتاده و تأثیری منفی در افکار عمومی ایران بر جای گذاشته است.

آقای ثقفی در ادامه افزود، نکته مهم دیگری که در مورد پروژه بوشهر مطرح می‌باشد، اعتبار روسیه در سطح جهان است و چنانچه این کشور نتواند به تعهد خود در پروژه بوشهر عمل نماید، متضرر خواهد شد. پس از فروپاشی، روسیه با مشکلات عدیده‌ای در ارتباط با کشورهای مستقل روبرو گردید که عملکرد جمهوری اسلامی ایران در حل این مشکلات مؤثر بوده است. در مقطع پس از یازدهم سپتامبر با تغییر اوضاع، حوزه ژئوپلیتیک ایران نیز دچار تغییر گردید. بخشی از فشار وارده به ایران در خصوص بحث هسته‌ای به بی‌ثباتی در منطقه بر می‌گردد. اصولاً کشورها در مقاطع حساسی می‌توانند سنگ بنای روابط را بگذارند که یکی از آن مقاطع اکنون می‌باشد و روسیه می‌تواند خود را به عنوان متعهد واقعی در برابر ایران جلوه‌گر سازد. از نقطه نظر هسته‌ای، در خاورمیانه، اسرائیل هسته‌ای و در جنوب آسیا نیز هند و پاکستان هسته‌ای حضور دارند. هند که متحد دیرین روسیه بوده، اینک به متحد آمریکا تبدیل گردیده است. نظر به تحولات جدید در منطقه، ایران به عنوان یک نقطه اتکاء تلقی می‌شود.

در خصوص NPT، جمهوری اسلامی ایران ضمن پیروی از مقررات، حتی در برخی از موارد فراتر از آن نیز عمل کرده است. در این میان چنانچه NPT فرو ریزد و نظام دیگری

جایگزین آن شود، طبعاً به زیان روسیه تمام خواهد شد، لذا روسیه باید نسبت به حفظ NPT اصرار ورزد. در حال حاضر سه بحران NPT را تهدید می‌نماید: هند، پاکستان و اسرائیل هسته‌ای؛ سیاست آمریکا در جهت تولید سلاح‌های هسته‌ای مغایر با NPT و تهدید کشورهای که فاقد سلاح هسته‌ای هستند و به داشتن آن تمایل دارند. فشار وارده بر ایران باعث می‌شود تا چنانچه NPT به ضرر ما باشد، ایران شاید از آن خارج گردد. البته از هم پاشیده شدن NPT به زیان آمریکا و برخی از کشورهای دیگر مثل ژاپن هم خواهد بود. بدیهی است که ایران باید از منافع خود دفاع نماید. در چنین شرایطی چرا روسیه باید از قدرت هسته‌ای ایران احساس خطر نماید و آیا به قراری که منابع غربی تبلیغ می‌نمایند، این تهدیدی علیه روسیه خواهد بود؟ بدیهی است که این یک استنتاج ساده انگارانه است و بررسی دقیق تری را ایجاب می‌نماید. بطور کلی، منافع روسیه در تکمیل هر چه سریعتر این پروژه می‌باشد تا اعتبار آن کشور خدشه‌دار نشود و با جدیت تمام آن را انجام دهد تا سرآغاز مباحث و محورهای دیگری برای گسترش روابط باشد.

در جلسه بعد از ظهر میزگرد که به ریاست آقای کشاورز زاده تشکیل گردید، ابتدا آقای وروبایف معاون انستیتوی روابط بین‌الملل مسکو با تأکید بر اهمیت روابط دوجانبه اظهار داشت که بنظر می‌رسد از موضوع دور شده و جنبه‌های مختلف شرایط بین‌المللی را مورد بررسی قرار نداده‌ایم. بطوری که شاهد بودیم، اجلاس ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد برگزار و تصمیمات مهمی در آن اتخاذ گردید که طبعاً بر روابط دوجانبه اثر خواهد داشت. تروریسم هسته‌ای مطرح شده بحث مهمی است. بحث ساختار سازمان ملل متحد یک پروسه دراز مدت می‌باشد و بستگی به این دارد که ترکیب اعضای دائمی شورای امنیت به چه صورت خواهد بود. آلمان، هند، ژاپن، برزیل، مصر و... مایل به عضویت دائمی در شورای امنیت می‌باشند ولی هنوز تصمیمی در مورد آن اتخاذ نشده است.

وی در ادامه افزود، رؤسای جمهور دو کشور در ملاقات اخیر، قدرتمند بودن کشورهای یکدیگر را مورد تأیید قرار دادند و گفتگوهای به عمل آمده بسیار ثمربخش و سازنده تلقی شده است. پروژه نیروگاه‌های هسته‌ای از سال ۱۹۹۵ بعد پیشرفت نمود و بطوری که بارها گفته

شده، از طرح‌های صلح‌آمیز حمایت می‌کنیم ولی مخالف ایران هسته‌ای هستیم. این در شرایطی است که به NPT پیوسته‌ایم و تلاش بر این است تا شمار کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای افزایش نیابد زیرا در غیر اینصورت احتمال درگیری وجود دارد. در روسیه با علاقه به ایران نگاه می‌کنند و این سخن که به روابط خوب با ایران اهمیت داده نمی‌شود، صحت ندارد. در خصوص عراق، فرجام ناخوشایند اقدام آمریکایی‌ها در آنجا گوشزد شده بود و همه می‌دانستند که سلاح کشتار جمعی در عراق وجود ندارد. اغلب مردم دنیا مخالف حضور آمریکا در عراق هستند و با توجه به مسایل اخیر و طوفان کاترینا این اعتقاد را پیدا کرده‌اند که طبیعت، آمریکا را مجازات می‌نماید آمریکا به دنبال اعمال زور و حضور خود می‌باشد و ما با آن مخالفیم و سعی بر آن داریم تا مسایل موجود در آژانس حل و فصل گردد و به شورای امنیت کشیده نشود. با وجود برخورداری روسیه و چین از حق و تو، ممکن است موقعیت خاصی پیش آید که نتوانند از آن استفاده نمایند. به دوستان ایرانی خود توصیه می‌کنیم که این مسئله را بطور صلح‌آمیز حل و فصل کنند. اطمینان می‌دهم که در تمام محافل عمومی بیاد خواهیم داشت که با ایران روابط خوبی داریم. در یکی از روزنامه‌های مستقل آمده است که در عرصه بین‌الملل روسیه تنها کشوری است که در زمینه توان هسته‌ای قابل مقایسه با آمریکا می‌باشد. روسیه مرکز انرژی است و از نظر تحلیل‌گران بین‌المللی دارای توان زیادی می‌باشد. پوتین بودجه زیادی را صرف برنامه‌های اجتماعی می‌کند. با توجه به برنامه‌ریزی براساس نفت چهل دلاری، باقی درآمدها به صندوق ایجادکننده ثبات ریخته می‌شود. واقعیت این است که منابع مالی وجود دارد و اکنون که سه سال به زمان انتخابات باقی مانده، ولی برنامه‌ریزی‌ها شروع شده است. البته ارتش روسیه بسیار ضعیف‌تر از ارتش دوره شوروی است و مدرنیزه کردن آن ضرورت دارد تا همچنان آماده و قدرتمند باشد. پوتین نیز این سخن الکساندر دوم تزار روسیه را تکرار کرده است که روسیه دارای دو متحد، ارتش و نیروی دریایی می‌باشد.

در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و چگونگی آن، همه می‌دانند که چه نظراتی وجود دارد. در بعضی از نشریات آمده است که در این قضایا روسیه بیش از ایران آسیب‌پذیر می‌باشد زیرا احتمال آن وجود دارد که روابط روسیه با غرب مختل شود.

در مورد وضعیت فلسطین، امیدواریم که بدنبال خروج نیروهای اسرائیلی از غزه، روند صلح‌آمیز ادامه یابد. بنوشته بعضی نشریات، این مقدمه نقشه راه است. به هر حال اینک وضعیت تا حدودی وخیم‌تر شده است. جنبش حماس تحرکات خود را متوقف ساخته ولی اسرائیلی‌ها به مردم عادی تیراندازی می‌کنند. مشکلات مربوط به بیت‌المقدس نیز مهم می‌باشد. البته اسرائیلی‌ها هم به امنیت نیاز دارند.

پس از آن، آقای دکتر عطائی عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) طی سخنانی اظهار داشت، زمانی که تاریخ را مطالعه می‌کردیم، یکی از نکات در خور توجه آن بحث وصیت‌نامه پطر کبیر در مورد رسیدن به آب‌های گرم بود. چنانچه این نکته در کنار اقدامات روسیه در سال‌های بعد قرار گیرد، واقعیت را می‌توان درک نمود. در قرن نوزدهم، این کشور همراه با ابرقدرت بریتانیا، بر وضعیت داخلی ایران و منطقه سیطره داشت. در زمان جنگ سرد، شوروی سردمدار دیدگاهی بود که در خاورمیانه هم تسری داشت و حضور شوروی در سوریه و عراق و مشهود بود. طی این دوره، شوروی در واقع به عنوان الگویی در برابر الگوی سرمایه‌داری غرب و عامل تهدیدکننده‌ای بوده است. اکنون روسیه دیدگاهی را دنبال می‌نماید که به نوعی مثبت تلقی می‌شود. البته روسیه حضور بی‌رنگی دارد که ناشی از عوامل داخلی و خارجی است.

در خصوص طرح خاورمیانه بزرگ، صحبت‌های زیادی می‌شود. اقدامات آمریکا در منطقه (افغانستان و عراق) عامل مهم بی‌ثباتی است ولی کشورهای منطقه توجهی به آن ندارند. تغییر حکومت در عراق و افغانستان، ساختار این دو کشور را نیز تغییر داده است. اینک دو کشور مذکور به صورت مرکز صدور بحران در منطقه می‌باشند و این حاصل سیاست‌های آمریکا است. در این میان روسیه به عنوان یک قدرت حضور ندارد.

در بحث انرژی باید توجه نمود که روسیه بزرگترین منابع گاز جهان را در اختیار خود دارد و خلیج فارس هم بیش از هفتاد درصد منابع نفت را به خود اختصاص داده است. اکنون روسیه به رقیب ما در حوزه انرژی تبدیل شده است. یکی از این موارد، خط لوله انتقال گاز است و جا دارد روسیه اقداماتی را انجام دهد.

سیاست‌های آمریکا در منطقه (طرح خاورمیانه بزرگ) جز دامن زدن به بی‌ثباتی حاصل

دیگری ندارد و در عراق و دیگر کشورهای اسلامی موجب تشدید احساسات مردم و افزایش تروریسم می‌شود. معتقدم که روسیه در کنار دیگر کشورهای منطقه می‌تواند به یک راه‌حل عملی دست یابد. امیدوارم روسیه را از این منظر و متفاوت از وضعیت قبلی ببینیم.

در ادامه جلسه، خانم کودریاشف استاد انستیتوی روابط بین‌الملل مسکو، پیرامون موضوع انقلاب‌های رنگی و کشورهای CIS به ایراد سخن پرداخت و خاطر نشان نمود که انقلاب‌های رنگی طی دو سال اخیر که حاصل آن‌ها تغییر رژیم گرجستان و قرقیزستان بود، به این شیوه بوده است که در طول انتخابات وقایعی بوقوع پیوسته و این بهانه را به مردم میداد تا به خیابان‌ها بیایند و رأی به برکناری دولت‌ها بدهند. البته کسانی که بدنبال این وقایع حکومت را در دست گرفتند، افرادی از ساختار قبلی بودند.

در این تحولات غیر منتظره، روسیه از حاکمان این کشورها و یا نامزدهایی که بتوانند این روند را حفظ نمایند، حمایت می‌کرد. این انقلاب‌ها ریشه‌های مشترک داشتند. در گرجستان، در سال ۱۹۹۷ عده‌ای شروع به مهاجرت نمودند. اوکراین از لحاظ پارامترهای خود در ردیف کشورهای فقیر دنیا قرار می‌گرفت. در قرقیزستان، فقر عمومی و بیکاری فراگیر شایع شده بود. به این ترتیب، وضعیت اقتصادی خاص بر توده جمعیت فشار می‌آورد. از سوی دیگر، تأثیر منفی نخبگان جامعه بر بحران اجتماعی، حائز توجه بوده است. عدم تکوین ساختارهای حکومتی در جهت ایجاد دولت‌های دموکراتیک، طبقه نخبگان بجای مانده از دوره شوروی، عدم وجود قدرت مذاکره و برقراری گفت‌وگو با گروه‌های مخالف و پارامترهای ترکیبی در ساختار این کشورها که مانع از همسوسازی فعالیت‌ها می‌شد، از دیگر علل وقوع این انقلاب‌ها محسوب می‌شوند. زیربنای این انقلاب‌ها از شرایط محلی ایده می‌گرفت و نخبگان کشور در گردهمایی‌های خیابانی دموکراتیک، به نوعی گروگان این اجتماعات تلقی می‌شدند و برنامه‌ریزی‌های رومانتیک انقلابی شکل می‌گرفت، طوری که نیل به راه‌حل‌های میانی را با مشکل مواجه می‌ساخت.

از نظر استراتژیک، تعیین اصولی برای فضای جدید CIS اهمیت بسیاری دارد. در شرایط جدید جهانی، روسیه دیگر نمی‌توانست مسئولیت تمام حوزه شوروی را عهده‌دار شود، لذا پیدایش این انقلاب‌ها از درون بوده است. در واقع CIS به نوعی، روش مدرنی را برای جدایی

کشورها از هم فراهم نمود و البته زمینه‌ساز حفظ ارتباط میان آن‌ها در آینده نیز می‌باشد. از نظر زیرساختارها، مکانیسم‌های مورد نیاز و بازار مشترکی وجود نداشت و همراه با رشد تفاوت میان کشورها در دوره پس از شوروی، رایزنی میان این کشورها حالت ناپیوسته‌ای به خود گرفته بود و شالوده‌اساسی وجود نداشت. لذا از نظر بعضی از کشورها، CIS سازمانی کارا و ثمربخش نیست ولی از آن می‌توان به عنوان یک تریبون استفاده نمود. حال این روابط جدید را بر چه پایه‌ای می‌توان بنا نمود؟ برای روسیه مهم آن است که مفهوم رهبریت ایجاد شود تا فعالیت‌ها در طرح یکپارچه‌سازی ادامه یابد و بر تولید ناخالص CIS تأثیر داشته باشد. ساز و کارهای همگرایی و تعیین موضوعات قابل بحثی که پاسخگوی علائق کشورهای عضو باشد، مطلب مهمی است.

پس از آن، آقای دکتر موسوی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز پیرامون دورنمای تحولات سیاسی - امنیتی قفقاز اظهار داشت، در قفقاز جنوبی در کنار سه دولت برسمیت شناخته شده آذربایجان، گرجستان و ارمنستان، سه دولت شناسایی نشده اما بالفعل قره‌باغ، اوستیای جنوبی و آبخازیا وجود دارد که دارای دولت و ارتش نیز می‌باشند. واقعیت دیگر منطقه این است که با وجود کوچک بودن، به لحاظ تمرکز تسلیحات متعارف در ردیف نخست قرار دارد. در کنار پایگاه‌های روسیه در منطقه، برنامه گسترش ناتو در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح صورت می‌گیرد. تحرکاتی نیز در جهت حضور آمریکا در خزر وجود دارد. قرار است کنفرانسی در ایروان تحت عنوان گسترش صلح از دریای سیاه تا دریای خزر برگزار شود که در اصل گسترش خطر می‌باشد. به این ترتیب، تمرکز تسلیحات در قالب طرح‌های روسیه و یا گسترش ناتو مطلب بسیار مهمی است. در کنفرانسی که حدود شش ماه قبل در تفلیس تشکیل گردید، سفیر سابق آمریکا گفت که به این کشورها نباید کشورهای پس از شوروی اطلاق نمود، زیرا در این صورت روسیه فکر می‌کند که دارای حقی نسبت به آن‌ها می‌باشد.

در شرایط موجود منطقه، منازعات نیمه خاموش یا یخ‌زده وجود دارد. وضعیت قره‌باغ شکننده است. علی‌اوف تأکید بر این دارد که راه حل آن، نظامی خواهد بود. گرجستان بر حل نظامی مشکل آبخازیا تأکید دارد. در این میان، آنچه که می‌گذرد برای روسیه اهمیت دارد. البته مسأله پناهندگان و بی‌خانمان‌ها نیز که بیش از ده سال در شرایط سختی زندگی می‌کنند،

موجب بی‌ثباتی است. میزان قاچاق اسلحه سبک بسیار زیاد است و این منطقه بصورت مرکز قاچاق سلاح‌های کشورهای شرقی، بویژه از طریق ترکیه در آمده است. اکنون چینی‌ها سلاح جدیدتر از تسلیحات روس‌ها در اختیار دارند. در چنین شرایطی، همکاری‌های منطقه‌ای دیده نمی‌شود. بنظر می‌رسد که روسیه، ناتو و اروپا، پیشبرد طرح صلح را از طریق گسترش ناتو امکان‌پذیر تلقی می‌نمایند. وجود دولت‌های ضعیف در منطقه، در این شرایط از جمله مشکلات آن می‌باشد. به‌هرحال وضعیت شکننده منطقه موجب بی‌ثباتی شده است.

در این میان، روسیه نه تنها در خاورمیانه بلکه در خانه خود نیز غائب است. کنفرانس ماه آینده درباره خط انتقال انرژی گاز خزر موجب به نتیجه رسیدن اهداف آمریکا است. پیشنهاد می‌شود که در مورد خزر و قفقاز جنوبی، یک نشست تخصصی بین ایران و روسیه برگزار گردد. در جمع‌بندی پایانی میزگرد، آقای موسوی خاطر نشان نمود که مباحث خوبی انجام گرفت و در یک فضای دوستانه، ایده‌هایی که می‌تواند برای هر دو کشور مفید باشد، مورد بررسی قرار گرفت. برجسته نمودن این نکته نیز ضرورت دارد که مردم ایران انتظار دارند که روسیه به تعهدات خود عمل نماید. طرح این پرسش که چرا روسیه چنین نکرده است، نشانه علاقه مردم ایران به تعهدپذیری روسیه می‌باشد.

سعید نقی‌زاده - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی